

آرزوی ارشا اقدسی برای تاسیس مدرسه بدلکاری

گزارشی از مراسم نخستین سالگرد درگذشت ارشا اقدسی را بخوانید.

به گزارش سایت خبری پرسون، به نقل از روابط عمومی موزه سینما، مراسم اولین سالگرد درگذشت زنده‌یاد «ارشا اقدسی» بدلکار فقید سینما عصر پنجشنبه ۱۳ مرداد در سالن فردوس موزه سینما برگزار شد و تعدادی از سینماگران و همکارانش به همراه خانواده ارشا اقدسی از این هنرمند یاد کردند.

سید جواد هاشمی که اجرای این مراسم را برعهده داشت، در ابتدا گفت: عجیب است که یک سال گذشت و برای برخی از شما هیچ روزی بدون ارشا نگذشت و چقدر گفتیم یادش بخیر و خدا رحمتش کند. کسی میان شما نیست که از او به خوبی یاد نکند و قطعا جایگاه او بهشت است و ما برای دوری است که ناراحتیم و اشک می‌ریزیم و جای خالی او را سخت یادآوری می‌کنیم اما برای او که جایش خوب است، سخت نخواهد بود. کسانی که به مرگ نگاه عجیب داشتند برای یادبودشان باید جشن گرفت و غمگساری نکرد.

«ارشا اقدسی» دوست داشت در هیجان بمیرد

در ادامه امیر میرآخوری مدیر گروه سیزده و از دوستان نزدیک «ارشا اقدسی» نیز گفت: اینجا ایستادن و درباره ارشا صحبت کردن برای من بسیار سخت است؛ چون همه شما دوست او بودید و اگر غیر از این بود اینجا نبودید و بسیاری از افراد می‌توانستند بیایند و نیامدند. دست تک تک کسانی که در این یک سال برادرانه به ما کمک کردند را می‌بوسم.

وی افزود: یک سال است که در موقعیت‌های مختلف و در لوکیشن‌ها خاطرات و عکس‌هایمان را از ارشا مرور می‌کنیم و حالمان خوب نیست. نمی‌خواهم حال شما را هم خراب کنم زیرا اگر خود ارشا هم اینجا بود قطعا کاری می‌کرد که حال شما هم عوض شود. سینمای ایران گوهری را از دست داد که حالا حالاها جایش پر نمی‌شود. او هم حرفه‌ای بود و هم با اخلاق و بیشتر از اینکه کارش جلوه‌گر شود، انرژی خوبی داشت که در سینما باعث شده بود همه او را دوست داشته باشند. حرفه‌ای بودن او نیز باعث شد حتی در جوامع بین‌المللی هم کار کند و پرچم ایران را بالا ببرد.

او با اشاره به موفقیت‌های زنده‌یاد ارشا اقدسی در بدلکاری سینما ادامه داد: پیمان ابدی عزیز با اینکه در کشور دیگری رشد کرده بود قدم بزرگی در راه بدلکاری ایران برداشت اما ارشا در همین خاک رشد کرد و با حداقل امکانات به جاهایی رسید که برای همه ما باورنکردنی بود. ما امروز ما برای خودمان ناراحتیم که چنین رفیق و استادی را از دست دادیم. ارشا همیشه می‌گفت دوست دارم در هیجان بمیرم و بزرگ‌ترین هیجان در چپ کردن ماشین است. خدا باید کسی را خیلی دوست داشته باشد که زندگی و مردنش را طوری که خودش دوست دارد رقم بزند.

آرزوی برادرم را برآورده کنید

بعد از پخش کلیپی از فعالیت‌های ارشا، رعنا اقدسی خواهر این بدلکار فقید بیان کرد: متأسفانه سال گذشته نتوانستم برای وداع با ارشای عزیزتر از جانم خود را برسانم و از راه دور شاهد بدرقه او توسط یاران و مردم ایران عزیز بودم. امیدوارم تیم بدلکاری ۱۳ قوی‌تر از گذشته به کار خود ادامه دهد و باعث افتخار همه ما و ارشا عزیز شوند. از صمیم قلب آرزو می‌کنم آخرین و مهم‌ترین آرزوی ارشا، به حقیقت پیوندند و رشته بدلکاری هم به جشنواره فیلم فجر اضافه شود. یادم می‌آید به او می‌گفتم چرا حرص و جوش این موضوع را لابد بعد از آن هم می‌خواهی سر کاندیدا شدن و جایزه گرفتن حرص بخوری و او می‌گفت این رشته اضافه شود بقیه مسائل مهم نیست. از عزیزی که اینجا حضور دارند و صدای مرا می‌شنوند تقاضا دارم که آرزوی کسی که میان ما نیست به حقیقت پیوندند.

باید از خدا بخواهیم عزیزانمان را دیرتر از دست بدهیم

در بخش دیگری از این مراسم رضا بنفشه‌خواه با تعریف خاطراتی از پدر ارشا اقدسی گفت: پیش از انقلاب کارمند وزارت کار بودم و دانشجویان برای کارآموزی پیش من می‌آمدند و یکی از دانشجویان پدر ارشا بود و با اینکه از من کوچک‌تر بود با هم دوست بودیم. مدتی از یکدیگر بی‌خبر بودیم تا وقتی که با خانه ایشان تماس گرفتم و به من گفتند ایشان به رحمت خدا رفته‌اند. پس از آن با ارشا اقدسی هم آشنا شدم و تا مدتی از احوالات او و خانواده‌شان باخبر بودم. ما نباید از خدا بخواهیم که عزیزانمان را از دست ندهیم بلکه باید از خدا بخواهیم آنها را دیرتر از دست بدهیم. به نظرم برای رفتن ارشا بسیار زود بود و او می‌توانست ۴۰ سال دیگر توانایی‌اش را به رخ بکشد.

پس از آن مهنوش مرادی همکار ارشا اقدسی در تیم گروه ۱۳ نیز گفت: خوشحالم اینجا هستم وظیفه خودمی‌دانم که در همه آدم‌هایی که کنار ما بودند و همچنین از کسی که زحمات زیادی کشیده و هیچ وقت نخواستہ دیده شود؛ حسام وهابی تشکر کنم. همچنین از مادر ارشا عزیز تشکر می‌کنیم که اگر از ما حمایت نمی‌کردند شاید تیم ۱۳ کار خود را ادامه نمی‌داد و تشکر دیگرم از امیر میرآخور سرپرست گروه ۱۳ است که اینکار با نبودن ارشا در حال حاضر سخت‌ترین کار دنیاست.

حسین سلیمانی بازیگر و از دوستان نزدیک ارشا اقدسی نیز گفت: اگر امروز ارشا در این مراسم بود از سالن بیرون می‌رفت زیرا دوست نداشت از او تعریف شود، او آدم قدرشناسی بود و دوست داشت دیده شود ولی با کارش خود را ثابت می‌کرد. از موزه سینما برای برگزاری چنین مراسمی بدون بوروکراسی و ایجاد ویتروینی برای ارشا عزیز تشکر می‌کنم.

در ادامه محمد فلاح یکی از طرفداران ارشا اقدسی تابلویی را به مادر وی هدیه داد و مادر ارشا آن را به موزه سینما اهدا کرد.

تاسیس مدرسه بدلکاری آرزوی ارشا بود

فرزانه موجودی مادر ارشا اقدسی نیز طی سخنانی گفت: تولد ارشا به خانواده ما نشاط خاصی بخشید. پدرش از بازیگوشی‌های او لذت می‌برد و او که خود ورزشکار بود پایه برخی از شیطنت‌های او بود. خواهرش که ۶ سال از او بزرگ تر بود از او طرفداری می‌کرد و مجالی برای مواخذه من باقی نمی‌گذاشت. ارشا خواهرش را بسیار دوست داشت عاقبت تدبیر این شد که از زبان خواهر که دارای نفوذ کلام در ارشا بود او را از کاری منع و به کاری تشویق کنم.

وی ادامه داد: او در کودکی با کاراکترهایی که در انیمیشن‌ها می‌دید همذات‌پنداری می‌کرد و ساعت‌ها سرگرم می‌شد. کودکی او با اسبی خیالی، تفنگی که بر دوش داشت و خمیری که از آن اشکال مختلفی می‌ساخت سپری شد. علاقه او به ورزش‌های رزمی باعث شد به ورزش آیکیدو روی آورد و بعدها گفت من کودکی بسیار خوبی داشتم. سال‌ها بعد همزمان با بورسیه شدن به ایتالیا اعزام شد و شاگرد پیمان ابدی شد. او تیم بدلکاری خود را با نام تیم ۱۳ راه انداخت و معتقد بود ۱۳ عددی است مانند تمام اعداد دیگر و نحس نخواهد بود. او با بدلکاری فیلم جیمز باند در ۲۰۱۳ جهانی شد و یکی از ۵ نفر رکوردداران چپ کردن ماشین شد.

وی ادامه داد: او بدلکاران را لایق جایزه سینمایی می‌دانست و نادیده گرفتن این صنف پرخاطر را غیر قابل توجیه می‌خواند و دوست داشت مدرسه بدلکاری برای نیروهای مستعد احداث شود. در جشن حافظ با کمک امید معلم اولین جایزه در این رشته به او تعلق گرفت اما خود ارشا در این مراسم حضور نداشت. همچنین برخی جایزه‌ها و یادگاری‌های او به موزه سینما اهدا شد و هم اکنون پسر در موزه سینما دارای گنجینه است. او پسر جسوری و معتقد بود مرگ اتفاق زیبایی است که فقط یک بار رخ می‌دهد. وقتی دچار سانحه و مرگ مغزی شد متأسفانه طراح انگلیسی آن فیلم اتفاق را برعهده نگرفت. مرگ ارشا همان طور که می‌خواست به موازات زندگی‌اش رقم خورد و همانطور که قهرمان زندگی کرد مانند قهرمان هم مرد و بعد از مرگ اعضای او به بیمارستان اهدای عضو در لبنان سپرده شد و او در یک روز گرم تابستانی ۱۳ مرداد ۱۴۰۰ از دنیا رفت.

ما هنرمندان بی‌معرفت هستیم

همچنین مازیار میری کارگردان سینما که در این مراسم حضور داشت گفت: خانم اقدسی شما یک زندگینامه از ارشا برای ما تعریف کردید، این را هم باید اضافه کنم ارشا کاری کرد که بچه‌های سینما خیالشان را به تصویر درآوردند. ما از شما ممنونم که او را به دنیا آوردید. متأسفانه ما هنرمندان بی‌معرفت هستیم و یادمان می‌رود برخی دوستان برای ما چه کردند. امروز باید بسیاری از بازیگرها و سوپرستارهای سینمای ایران اینجا حضور پیدا می‌کردند زیرا برخی از اهالی سینما، جایزه‌ها و سیم‌رغ‌هایشان را مدیون ارشا هستند.

فرزانه موجودی (مادر ارشا اقدسی)، رنا اقدسی (خواهر ارشا اقدسی)، مازیار میری، هانا کامکار، حسن مصطفوی، حسام وهابی، رضا بنفشه‌خواه، شاهرخ استخری، پوریا شکیبایی، پندار اکبری، حسین سلیمانی، بانی پال شومون، امیرحسین بزرگ زادگان، فرشته نصیری، حامد تهرانی، اعضای گروه بدلکاری ۱۳، علی خیری، محمود محکمی از جمله افرادی بودند که در این مراسم حضور داشتند.